

## بیانیه کارگران انقلابی متحد ایران به مناسبت گرامی داشت ۱۶ آذر نماد جنبش دانشجویی ایران

چرا دانشجویان به حرکت اعتراضی دست می زنند؟

اقتدار و طبقات مختلف براساس منافی که دارند نسبت به میزان فشار حاکم بر جامعه در رابطه با استبداد، فقر، تبعیض و بی حقوقی، واکنش های متفاوتی نشان دهند. دانشجویان نیز به عنوان بخشی از جامعه، نمی توانند خارج از قانونمندی یک جامعه طبقاتی، که ناهنجاری های گوناگونی در خود نهفته دارد، در عرصه اجتماعی ظاهر گردند. جنبش اعتراضی دانشجویان به ناهنجاری ها و معضلات جامعه، بدون شک جایگاه آنها را در مبارزه با ستم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ای که دیکتاتوری ارتجاعی سرمایه داران و دیگر استثمارگران به طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، زنان، جوانان، دانشجویان و ملت های زیر ستم اعمال می کنند، مشخص می سازد.

یکی از این حرکت های اعتراضی که پس از قریب شصت سال هنوز هم الهام بخش مبارزات دانشجویان و نماد جنبش دانشجویی است، واقعه ای است که تاریخ آن را به عنوان سرفصل جنبش دانشجویی ایران و به نام «۱۶ آذر» - روز دانشجو- ثبت نموده است. علت اینکه جنبش دانشجویی طی نزدیک ۶ دهه پس از این روز خونین، این روز و این نام و خاطره آن را حفظ کرده روح ضد استبدادی و ضد امپریالیستی آن و تکیه بر استقلال جنبش دانشجویی است. رژیم شاه جنبش دانشجویی را سرکوب می کرد: حمله به تظاهرات دانشجویی، ضرب و شتم و زندانی کردن و حتی کشتن دانشجویان در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ و پس از آن، یورش به خوابگاه های دانشجویی و استقرار نیروهای انتظامی در دانشگاه و غیره در رژیم شاه روند رایجی بود. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها این جنایات و فجایع را در مقیاسی چندین برابر رژیم شاه و با شدت بیشتری مرتکب می شود، بلکه می کوشد جنبش دانشجویی را از درون فاسد و وابسته به خود کند. ایجاد سازمان های به اصطلاح دانشجویی اسلامی و حزب الهی که از اواخر زمان شاه و به ویژه پس از بهمن ۵۷ در محیط دانشگاه و دیگر مراکز دانشجویی به سرکوب کردن و ضربه زدن سیستماتیک به جنبش دانشجویی و جاسوسی و عملیات پلیسی به ضد دانشجویان دست زدند. بخش دیگری از دانشجویان اسلامی با ژست ضد امپریالیستی (حمله به سفارت آمریکا و گروگان گیری و غیره) به طریق دیگر کوشیدند استقلال و خصلت دموکراتیک جنبش دانشجویی را منهدم سازند و این جنبش را به زیر سلطه و دستور خمینی و سپس جناحی از هیأت حاکم درآوردند که بعدها به اسم «جناح چپ جمهوری اسلامی» و اصلاح طلبان معروف شدند. جناحی که همانند جناح دیگر در سازماندهی دستگاه های اطلاعاتی، امنیتی و به طور کلی ماشین سرکوب نظامی و اداری جمهوری اسلامی، حمله به کارخانه ها و مراکز کارگری، حمله به کردستان، ادامه جنگ ارتجاعی با عراق و غیره شرکت فعال داشتند. وابستگان به جناح های مختلف رژیم کوشیدند و می کوشند جنبش دانشجویی را به راه های مختلف (انجمن های اسلامی حزب الهی و بسیجی دانشجویی، دفتر تحکیم وحدت و غیره) منهدم کنند یا به سرباز عامل خود تبدیل نمایند. حمله «دانشجویان خط امام» به سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ که توسط بخشی از رژیم برای کنار زدن بخش دیگر و نیز به منظور منحرف کردن اذهان مردم، به ویژه جنبش کارگری و به هرز بردن جنبش جوانان کارگردانی و اجرا شد نمونه ای از این خواست رژیم برای سوار شدن بر جنبش دانشجویی و به

بیراهه کشاندن آن بود. خمینی با «انقلاب دوم» خواندن تسخیر سفارت آمریکا و با گفتن «هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید» وسیله عوام فریبانه مؤثری برای فریب دادن مردم و مصون داشتن رژیم ارتجاعی نوبنیادش تهیه کرد. وسیله ای که رژیم اسلامی در سی و چند سال گذشته مورد استفاده قرار داده است. آخرین نمونه این تلاش برای تبدیل جنبش دانشجویی به ابزاری برای پیشبرد اهداف ارتجاعی و عوام فریبانه خود زیر پوشش دروغین ضد امپریالیستی حمله اخیر به اصطلاح دانشجویان بسیجی به سفارت انگلیس و به باغ سفارت در قلعهک بود. رژیم در درگیری هایش با دولت های غربی، که در چهارچوب بازی قدرت در منطقه است و هیچ ربطی به منافع توده های مردم ایران ندارد، این نوع حرکات و به ویژه حرکت اخیر را سازمان داد و وقتی که با سمبه پر زور طرف مقابل روبرو شد به پوزش خواهی توأم با سرشکستگی روی آورد و از زبان ناصحان و آیت الله های ریز و درشت به نصیحت «دانشجویان خوش نیت ولی احساساتی» روی آورد که به «کارهای فراتر از قانون» دست نزنند.

یک جنبه پر اهمیت ۱۶ آذر دقیقاً در این است که، ضمن حفظ و ارتقای روح ضد امپریالیستی و ضد استبدادی خود، نماد استقلال جنبش دانشجویی از جناح های مختلف حاکمیت است و باید باشد. البته تنها جناح های مختلف هیأت حاکم در مقابل جنبش دانشجویی قرار ندارند. اکنون جریانات ملی، ملی - مذهبی، بنی صدری ها و غیره نیز با علم کردن این روز می خواهند جنبش دانشجویی را به تیول خود مبدل سازند. اصلاح طلبان و جنبش سبز هم در صدد اند ۱۶ آذر را به سرپلی برای تصاحب جنبش دانشجویی در آورند. روشن است آنچه در طی نزدیک به ۶۰ سال ۱۶ آذر را زنده نگه داشته نه نیروهای اصلاح طلب اند (که از زیر عبا و نعلین جمهوری اسلامی بیرون آمده اند) و نه حتی نیروهای ملی که تنها با گفتن «من آنم که رستم بود پهلوان» می کوشند در بهترین حالت گذشته جنبش دانشجویی یا دقیق تر بگوئیم بخشی از گذشته جنبش دانشجویی و ارزش ها و ایده های قدیمی آن را بر جنبش دانشجویی کنونی که می تواند ابعاد بسیار عظیم و توده ای داشته باشد (از جمله به خاطر شمار چند میلیونی دانشجویان و گستردگی آنها در سراسر کشور و به ویژه در شهرهای بزرگ) حاکم کنند و این جنبش را به تخته پرش خود به سوی قدرت دولتی تبدیل نمایند.

جمعیت عظیم سه و نیم میلیونی جوانان دانشجو، که بخش بزرگی از آنان از میان توده های مردم می آیند، به دلیل شرایط تحصیلی، فشار اقتصادی و فرهنگی و تبعیض های گوناگون در دوره دانشجویی و همچنین احساس نا امنی سیاسی، اجتماعی و شغلی پس از پایان تحصیلات، خود را در وضعی می بیند که باید با رژیم جمهوری اسلامی که سایه شومش را بر زندگی آنان افکنده است، مبارزه کند. بخش عظیمی از دانشجویان پس از پایان تحصیلات با بیکاری و فقر و یا مردها و حقوق های ناچیز روبرو می شوند (به گفته رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی در گفت و گو با ایلنا، ۱۶ آبان ۱۳۹۰، کارگران دارای تحصیلات دانشگاهی ۳۳۰ هزار تومان دستمزد می گیرند).

جنبش دانشجویی براساس زمینه های مادی ای که در جریان زندگی اجتماعی خود با آن درگیر است و روحیه جوان خود، پتانسیل مبارزه جویی بالایی دارد. جمهوری اسلامی با اطلاع از این واقعیت و برای اینکه بتواند این جنبش انقلابی را مهار کند و به زیر کنترل خود در آورد، همواره سعی کرده است هر صدای آزادی خواهی را در دانشگاه ها (مانند سرکوب آن در کل جامعه) خفه سازد و محیط دانشگاه ها را با اشاعه سمومات ایدئولوژیک و تغییر ساختار سیاسی و فرهنگی آن آلوده گرداند و با گسیل داشتن نیروهای نظامی و انتظامی به صحن دانشگاه ها، نظم پادگانی را در آنجا مستقر نماید. اما

به رغم همه فشارها و سرکوب ها و ترفندهایی که بورژوازی و سرکوبگران آزادی برای به انقیاد در آوردن جنبش دانشجویی اعمال کرده اند و به رغم همه فراز و نشیب هایی که این جنبش انقلابی داشته است، هرگز تسلیم شرایط و خواست دولت های بورژوایی و اپوزیسیون های ارتجاعی نشده است. زیرا دانشجویان دریافته اند که برای تحقق خواست ها و به طور کلی برای تحقق شرایط مناسب زندگی، در شأن انسان مدرن، باید بدون توهم به قدرت سیاسی حاکم و بدون چشم داشت به مامشات طلبان و فرصت طلبان به مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی بپردازند. هرچند جنبش دانشجویی پتانسیلی بسیار قوی برای مبارزه در خود نهفته دارد، اما برای پیشبرد واقعی این مبارزه، باید با جنبش های دیگر، در رأس همه آنها با جنبش طبقه کارگر و جنبش انقلابی زنان که سال هاست زیر شدیدترین سرکوب ها و محدودیت ها قرار دارد، و همچنین جنبش جوانان و جنبش ملت های زیر ستم برای برابری حقوق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در پیوند باشد. این رسالتی است که دانشجویان مبارز و کمونیست باید فرا راه خود قرار دهند و با درایت بیشتر در جهت رفع موانع این پیوند که اساساً موانع ذهنی اند گام بردارند.

روند تاریخی جنبش سرکوب شده دانشجویی در ایران، اکثر دانشجویان را به سوی تمایلات و خواست های وسیع دموکراتیک، که مطالبات وسیعی را دربر می گیرد، سوق داده است. این مطالبات عبارتند از آزادی اندیشه و بیان، آزادی گردهمایی، آزادی پژوهش، آزادی انتقاد و پرسش، آزادی مراد، آزادی مسافرت و رفت و آمد، حق بازدید از مراکز تولیدی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، بهره مندی از حق تشکل و حق معیشت و غیره.

عدم پاسخگویی جمهوری اسلامی به این مطالبات و همچنین عدم دست یابی دانشجویان و جوانان به این خواست های ابتدایی قطعاً واکنش هایی از سوی دانشجویان در پی دارد. این واکنش ها ارتباط ملموس و مستقیم با زندگی روزمره آنها دارد و دست یابی به پاسخ های مناسب نیز از اقدامات اولیه ای است که از سوی دانشجویان صورت می گیرد. واضح است که در شرایط خفقان و استبداد حاکم، ابراز کم ترین موضع گیری ای که حاکی از اعتراض به این شرایط استبدادی باشد، رویارویی نیروهای سرکوبگر با آزادی خواهان را در پی خواهد داشت. به این ترتیب کسانی که کمر به سرکوب آزادی های دموکراتیک بسته اند هرگز نمی خواهند مردم در شرایط آزاد و برابر حقوق اجتماعی به سر برند.

این شرایط سبب می شود بخش اعظم دانشجویان به عرصه مبارزه برای تأمین مطالبات سرکوب شده جامعه وارد شوند و تاکنون در آن وارد گشته اند و تاوان سنگینی نیز در این راه پرداخته اند. واقعیت بیان کننده آن است که باز در جنبش دانشجویی ایران گرایش جدیدی زاده شده و رشد می کند که با گرایش های بورژوایی در این جنبش مرزبندی دارد و گرایش به سمت طبقه کارگر در آن محسوس است. این گرایش هم به لحاظ نظری و هم عملی هنوز در آغاز راه است، به همین جهت ما به توده دانشجوی ضرورت آموختن سوسیالیسم علمی و شرکت در عمل انقلابی و پیوند داشتن با جنبش طبقه کارگر و دیگر جنبش های اجتماعی را توصیه می کنیم.

دانشجویان و همچنین جوانان باید به اهمیت نقش خویش در این جنبش اعتراضی و جنبش دانشجویی واقف باشند و آگاهانه در مبارزه برای تحقق خواست های خود تلاش کنند.

این مبارزه چگونه باید باشد؟

دانشجویان چه به لحاظ خاستگاه طبقاتی خود و چه به لحاظ موضعی که در اثر آگاهی و شرکت در جنبش های اجتماعی کسب می کنند، از موضع این یا آن طبقه در مبارزات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جاری در جامعه شرکت می نمایند. مبارزات دانشجویان با آنکه خصلت دموکراتیک عمومی دارد غیر طبقاتی و فوق طبقاتی نیست. همان گونه که شیوه برخورد طبقات مختلف جامعه به مسئله دموکراسی متفاوت است و اصولاً خود دموکراسی امری طبقاتی است.

بورژوازی حاکم با شدیدترین شیوه های سرکوب، ابتدایی ترین حقوق مردم را پایمال می کند و دانشجویان در صف اول قربانیان شکنجه، تجاوز، اعدام و احکام سنگین زندان و اخراج از دانشگاه و محرومیت از تحصیل و غیره قرار دارند. آن بخش از بورژوازی که در قدرت سیاسی سهم نیست، چه آنهایی که پایبند به قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی و ولایت فقیه است، چه بورژوازی لیبرال و ناسیونالیست، چه آنهایی که حسرت بازگشت به رژیم سلطنتی دارند و چه آنهایی که چشم امید به دخالت قدرت های امپریالیستی بسته اند، همگی به دلیل استثمارگر بودن و حمایت شان از استثمار، دشمن کارگران و دیگر زحمتکشان اند، همگی شوونیست و مخالف برابری حقوق ملت های ساکن ایران، همگی مخالف برابری کامل حقوق زن و مرد، همگی خواهان سرکوب جنبش کارگری، جنبش کمونیستی، جنبش اتحادیه ای کارگران و دانشجویان و به طور کلی هر جنبش پیشرو هستند. همین امر در مورد زمینداران بزرگ روستاها و شهرها، نیز صادق است. تنها طبقاتی که واقعاً در دموکراسی نفع دارند و خواهان دموکراسی وسیع برای توده های مردم هستند یا می توانند باشند طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش و دیگر لایه های زحمتکش شهر و روستا هستند و اینان اکثریت عظیم مردم را تشکیل می دهند.

علاوه بر جنبه عددی و کمی، یعنی این واقعیت که کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان اکثریت ۹۰ درصدی یا بالاتر جامعه را تشکیل می دهند و بنابراین دموکراسی امر آنهاست، به لحاظ کیفی نیز دموکراسی مورد نظر و مورد نیاز کارگران و زحمتکشان با دموکراسی هایی که احیاناً طبقات یا گروه های دیگر (اساساً برای مردم فریبی یا خود فریبی و گاه هر دو) مطرح می کنند تفاوت بنیادی دارد. دموکراسی مورد نظر و مورد نیاز کارگران و زحمتکشان، مخالف هرگونه امتیاز سیاسی یا حقوقی براساس رسته و رتبه اجتماعی، دینی، میزان ثروت، جنسیت، ملیت و نژاد، خواهان حکومت انتخابی و حق هر شهروند برای انتخاب کردن و انتخاب شدن برای هر مسئولیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی، اداری و فرهنگی است. این دموکراسی خواهان آزادی نامحدود بیان، اندیشه، اعتقاد، دینداری یا بی دینی، آزادی انتقاد از هر نهاد یا شخص، خواهان آزادی گردهمایی، تظاهرات، تشکل و تحزب، خواهان برابری کامل زن و مرد در همه عرصه های حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. خواهان حق اعتصاب، خواهان آزادی رفت و آمد و انتخاب شغل، مصونیت مسکن و مراسلات و پیام های الکترونیکی از تفتیش و تعرض، خواهان برابری همه مردم در برابر قانون، استقلال قوه قضائیه و انتخابی بودن قضات، علنی بودن دادگاه ها، حق دفاع آزادانه هر متهم از خود به طور شخصی یا با وکیل مدافع، منع هرگونه شکنجه جسمی و روانی، لغو مجازات اعدام، لغو همه قوانین ارتجاعی و ضد دموکراتیک، حق هر شهروند به شکایت از هر نهاد یا هر فرد به دادگاه، جدایی دین از دولت، از دستگاه قضایی و از آموزش عمومی، قطع کمک های دولتی به نهادها و مقامات دینی، منع تفتیش عقاید، حقوق برابر زن و مرد، حق هر زوج

بالغ به ازدواج یا زندگی مشترک، حق برابر هر یک از زوج ها در امر جدایی از شریک زندگی خود، حق برابر هر یک از زوج ها در نگهداری و تربیت فرزندان، لغو چند همسری و صیغه، است. علاوه بر این خواست ها که همواره تا استقرار دموکراسی موضوع مبارزه اند، و حتی پس از استقرار آن نیز برای محافظت از آن باید مورد نظر باشد و مطالبه شوند، خواست های مشخص زیر که سال هاست در ایران مطرح اند باید با پیگیری دنبال شوند:

- آزادی همه زندانیان سیاسی

- منع سانسور مطبوعات و توقیف آنها

- آزادی فعالیت سندیکاها، انجمن ها و احزاب

- منع هرگونه شکنجه جسمی و روانی، منع وادار کردن هر فرد به اعتراف در تلویزیون و دیگر رسانه ها

- لغو مجازات اعدام

- معرفی همه کسانی که در شکنجه ها، کشتارها، ضرب و شتم ها و تجاوزات چه به عنوان آمر و چه عامل نقش داشته اند

- ممنوع بودن حمله و ورود نیروهای انتظامی و امنیتی و اوباش بسیجی به دانشگاه ها، مدارس عالی و خوابگاه های دانشجویی

- بازگرداندن دانشجویان اخراجی به دانشگاه ها برای ادامه تحصیلاتشان

- آزادی تشکیل انجمن های دانشجویی مستقل و نشریات دانشجویی

- منع دخالت نیروهای انتظامی و باندهای امر به معروف و نهی از منکر در مسائل خصوصی و به ویژه در روابط عاطفی و جنسی جوانان و دانشجویان

- لغو «گزینش دانشجو» و یا استاد و مدرس دانشگاه ها و مدارس عالی عمومی براساس اعتقادات دینی، جنسیت یا منشأ ملی و قومی

- لغو سهمیه بندی دانشجویی براساس جنسیت و یا براساس وابستگی به نهادها

- حذف معیارهای مبتنی بر جنسیت، مذهب، عقیده، ملیت یا قومیت در زمینه اعطای بورس و کمک تحصیلی، مسکن دانشجویی، انتخاب رشته و غیره

- حق تحصیل و تدریس به زبان های غیر فارسی برای ملیت های غیر فارس در کشور

- مبارزه با نظامی گری و شوونیسم

- .....

جنبش دانشجویی در کشاکش مبارزات طبقاتی در جامعه است و نمی تواند خود را از این مبارزات جدا نگه دارد. در شرایط کنونی ایران، بخش کوچکی از دانشجویان یا به دلیل نا آگاهی و یا منافع شخصی و طبقاتی، طرفدار حکومت اند. بخش وسیع تری، عمدتاً به دلیل آگاهی ناکافی و توهم طرفدار «جنبش سبز» و اصلاح طلبان هستند. این دانشجویان توجه ندارند که نفس طرفداری از موسوی، کروبی، خاتمی و دیگر رهبران جنبش سبز از قانون اساسی جمهوری اسلامی و ولایت فقیه (چه در شکل «مطلقه» و چه در شکل «مشروطه» آن) به معنی ضدیت و دشمنی با دموکراسی است (حتی اگر سابقه سال های طولانی خدمت اینان به رژیم جنایت و جنگ و ننگ را در نظر بگیریم که البته به هیچ وجه نمی توانیم در نظر بگیریم و هیچ کس حق ندارد در نظر نگیرد!). عده خوشباموری هم که خیال می کنند «جنبش سبز» چیزی مستقل است و «کسان دیگری» غیر از اصلاح طلبان حکومتی رهبری آن را برعهده دارند یا گمان می کنند این جنبش رهبر ندارد دچار خوش خیالی ساده لوحانه ای هستند. این «کسان دیگر» نیروی مادی ندارند و آنهایی که در جنبش سبز واقعا کاری می توانند بکنند همان کسانی هستند که مشی موسوی و کروبی و اصلاح طلبان را می پذیرند و یا به زیر رهبری آنها در می آیند.

جنبش دانشجویی ایران باید بین مشی دموکراسی پیگیر و انقلابی از یک طرف، و جریان ضد دموکراتیک جنبش سبز و دیگر جریان های بورژوازی از طرف دیگر، انتخاب به عمل آورد. ما بر آنیم که جنبش دانشجویی به مثابه بخشی از جنبش دموکراتیک عمومی می تواند و باید آگاهانه به دموکراسی پیگیر، یعنی دموکراسی مورد نیاز و مورد نظر اکثریت ۹۰ درصدی یا بالاتر مردم که خواست های اساسی آنها، چه به صورت خواست های عام و چه به شکل خواست های ویژه دانشجویی در بالا آمد، ببینند. این جنبش چنین پتانسیلی دارد و همه نیروهای انقلابی باید برای تحقق این پتانسیل مبارزه کنند.

دانشجویان نیز مانند جوانان دیگر با مسائل اقتصادی و اجتماعی، به ویژه با بیکاری و فقدان مسکن و بهداشت و درمان، و تبعیض های جنسی و دخالت های پلیسی، در عادی ترین رفتارها و هنجارهای اجتماعی خود، به طور مشخص مناسبات با جنس مخالف و به طور کلی روابط جنسی و عاطفی، درگیرند. این امر لزوم پیوند دانشجویان و دیگر جوانان را با جنبش کارگری و جنبش زنان برای آزادی به ضرورتی تام تبدیل کرده است. این پیوند می تواند و باید انرژی و خشم انقلابی جوانان، اعم از دانشجو و غیر دانشجو را با اعتراض خشم انقلابی کارگران و زنان در شط خروشان و بنیان کنی به ضد جمهوری ارتجاعی و خونین اسلامی، به ضد حکومت ننگین و ویرانگر سرمایه داران و زمینداران حاکم متمرکز سازد.

در این پیکار توجه به نکات زیر اهمیت دارد:

۱) مبارزه برای دموکراسی در کشورهایی که در آنها دولت استبدادی حاکم است، همواره نمی تواند به گونه ای علنی و قانونی صورت گیرد، مگر آنکه ابعاد این مبارزه بسیار وسیع یا کاملاً توده گیر باشد. از این رو توجه به اشکال مشخص و مناسب مبارزات دانشجویی اهمیت بسیار و گاه تعیین کننده دارد. جنبش دانشجویی نیز اگر خواست های توده مردم را که

در بالا ذکر شد با توجه به اولویت های روز فرموله کند و آنها را موضوع مبارزه خود قرار دهد برای پیشبرد مؤثر این مبارزه باید بنحو مناسبی مبارزه مخفی و علنی را با یکدیگر ترکیب کند.

۲) جنبش دانشجویی و جنبش کارگری در مبارزه برای دموکراسی، باید با یکدیگر پیوند یابند. ارتباط و تأثیر متقابل این دو جنبش بر یکدیگر حائز اهمیت فوق العاده است. به طور مشخص ضروری است که جنبش دانشجویی از خواست های کارگران حمایت کند (همانگونه که هم اکنون جنبش های دانشجویی فرانسه، یونان، انگلستان، ایتالیا و غیره این کار را می کنند) همان گونه که کارگران باید از خواست های بحق دانشجویان پشتیبانی نمایند.

۳) بخشی از دانشجویان، به ویژه آنانی که از طبقات پایین جامعه می آیند، و آنانی که به سطح بالایی از فرهنگ و دانش اجتماعی و تفکر مستقل دست می یابند، می توانند در جریان مبارزه برای دموکراسی، خواه در مبارزات دانشجویی، خواه مبارزات عمومی جوانان و خواه در مبارزات زنان به سوی مبارزه طبقاتی کارگران جلب شوند و حلقه های رابط محکمی بین این جنبش ها به وجود آورند.

۴) جنبش کارگری، به ویژه جنبش سیاسی طبقه کارگر، باید به آن بخش از دانشجویان که به سوی مبارزه طبقاتی کارگران جلب می گردند، توجه ویژه نماید. ۱- آنان را به آموختن خلاق سوسیالیسم علمی ترغیب کند، ۲- آنان را به بی ثمری مبارزات صرفاً علنی و قانونی آگاه کند، ۳- آنان را به مبارزات انقلابی که در محتوای خود مبارزاتی مخفی و غیر قانونی اند، هدایت کند.

مستحکم و شکوفا باد استقلال جنبش دانشجویی ایران

برقرار و پیروز باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش طبقه کارگر و جنبش انقلابی زنان

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۱۲ آذر ۱۳۹۰، کارگران انقلابی متحد ایران

[ruwo.iran@gmail.com](mailto:ruwo.iran@gmail.com)